

شمه‌ای از چلوه‌های رأفت حضرت مهدی عجل الله



عبدالکریم پاک نیا

سَلَامٌ عَلَيْهِ وَآبَائِهِ
وَأَنْصَارِهِ مَا تَدْوُمُ السَّمَاءُ^۱
سلام بر او و بر پدران او و بر یارانش؛
سلامی همیشگی و جاوید.

محبتها و الطاف ظاهری و باطنی اهل
بیت علیهم السلام نسبت به تمام انسانها بویژه یاران
و دوستانشان، حقیقتی انکار ناپذیر
است؛ چرا که آنان معدن کرامت، رأفت و
رحمت الهی برای عموم مردم می‌باشند.

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً

سَلَامٌ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ
أَبِي الْقَاسِمِ الْقُرْطُوبِيِّ الْهُدِيِّ
سلام و درود بر قائم منتظر،
حضرت ابوالقاسم علیه السلام که سر سلسله
نیکان و چراغ هدایت است.

سَيُطَلِّعُ كَالشَّمْسِ فِي غَاسِقِ
يُنْجِيهِ مِنْ سِنْفِهِ الْمُنْتَظَرِ

به زودی همچون خورشید، در
شب تاریک طلوع می‌کند و با شمشیر
بزرانش انسانها را نجات می‌بخشد.

تَرَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ مِنْ عَدْلِهِ
كَمَا مَلَأَتْ جُورَ أَهْلِ الْهَوَى

سراسر زمین را همان گونه که پر
از ظلم و جور هوا پرستان شده، پر از
عدل و داد می‌کند.

۱. شرح احقاق الحق، ج ۱، ص ۷۹. ابیات مذکور
از سروده‌های قاضی فضل بن روزبهان، از
مشاهیر علمای اهل تسنن و نویسنده کتاب ابطال
الباطل در رد کتاب نهج الحق علامه حلی است.

کن تا به این وسیله به دریای رحمت و کامیابی در نزدت نایل شویم.»

محبت و مهر و وفای آن حضرت چیزی نیست که بتوان در صفحاتی کوتاه از آن سخن راند و حق مطلب را ادا نمود؛ اما می توان چند نکته ای را جهت تذکر بیان کرد و دل های مالامال از عشق پیروان حضرتش را برای لحظاتی به دریای مهر و رحمت آن گرامی پیوند داد؛ چرا که امام عصر علیه السلام غمخوار حقیقی امت و پدر مهربان مردم غم دیده و محنت کشیده است. حضرت رضا علیه السلام در خطبه ای طولانی که در روز جمعه در مسجد جامع مرو ایراد نمود، به این نکته اشاره

می کند و می فرماید: «الْإِمَامُ الْأَنْبِیُّ الرَّفِیقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِیقُ وَالْأَخُ الشَّقِیقُ وَالْأُمُّ الْمَبْرُةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِیرِ وَمَفْرَعُ الْعِیَادِ فِی الدَّاهِیَةِ النَّادِ»^۱ امام دوستی همدل، پدری دلسوز، برادری تنی، مادری مهربان به فرزند کوچک و پناه بندگان در مواقع دشوار زندگی است.»

البته این سخنان بدان معنا نیست که امام عصر علیه السلام هیچ گونه برخوردی با

لِلْعَالَمِینَ»^۱ «ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.» آن حضرت جلوه ای از رحمت بی پایان الهی است. دلسوزی، مهرورزی و مهربانیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله در آیات متعددی مطرح شده و در سیره آن حضرت آشکارا به چشم می خورد.

انمه هدی علیه السلام نیز که تداوم بخش راه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و جانشینان به حق ایشان هستند، از این ویژگی مهم حضرتش، تمام و کمال بهره را داشته اند.

البته حضرات معصومین علیهم السلام نه تنها در صفت مهرورزی و دلسوزی؛ بلکه در سایر کمالات نیز از آن حضرت صلی الله علیه و آله ارث برده اند.

بنابراین، همان طور که قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمت برای جهانیان معرفی می کند، تمام انمه از جمله حضرت مهدی علیه السلام نیز از همان رحمت و عطف محمدی نسبت به بندگان خدا برخوردارند. از اینرو، در آخرین فرازهای دعای ندبه از خداوند متعال درخواست می کنیم که: «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاةَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ؛ خداوند! برای ما رأفت و رحمت و دعا و خیر او (حضرت ولی عصر علیه السلام) را عنایت

۱. انبیاء / ۱۰۷.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۱۸.

از اینرو، در این مقال به برخی از مظاهر مهرورزی آن حضرت نسبت به مردم، خاصه دوستان و شیعیانش می‌پردازیم؛ چرا که بر این باوریم هر خیر و نیکی که به ما می‌رسد از ناحیه اوست و ما هر چه داریم، از لطف جوشان و محبت سرشار آن وجود مقدس داریم؛ هم چنان که فرمود: «ما رهبری شما را مهمل نگذاشته‌ایم و شما را از یاد نبرده‌ایم. اگر چنین بود، مشکلات سنگینی شما را احاطه می‌کرد و دشمنان شما را نابود می‌کردند.»^۱

آغوش مهر

مرحوم میرزای قمی، صاحب قوانین، در خاطرات خود آورده است: «با علامه سید مهدی بحرالعلوم به درس آقا باقر بهبهانی می‌رفتیم و با او درسها را مباحثه می‌کردیم و غالباً من درسها را برای سید بحرالعلوم تقریر می‌نمودم، تا اینکه من به ایران آمدم. پس از مدتی، سید بحرالعلوم بین علما و دانشمندان شیعه، به عظمت

دشمنان خود نمی‌کند. بدیهی است که هر یک از جهانیان بسته به استعدادشان از مهر سرشار آن حضرت بهره می‌برند؛ اما دشمنان لجوج و کینه توزی که همانند غده سرطانی در کالبد جامعه نفوذ کرده و مانع راه اصلاح می‌شوند، مورد خشم آن امام علیه السلام قرار گرفته، نابود خواهند شد. به این جهت، مهر و قهر امام زمان علیه السلام همانند اجداد مطهر خویش است؛ همچنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای اصلاح جامعه گاهی دست به شمشیر می‌برد و با دشمنان خود به شدت تمام برخورد می‌کرد، امام عصر علیه السلام نیز چنین خواهد بود. ولی آنچه این نوشتار آن را دنبال می‌کند، بیان جلوه‌هایی از مهر و رأفت امام مهدی علیه السلام است؛ زیرا در مورد قهر آن حضرت سخن فراوان گفته شده تا جایی که برخی می‌پندارند که حضرت مهدی علیه السلام فقط مظهر قهر الهی است و دشمنان امامت نیز به این باور دامن زده و آن حضرت را شخصی خوفناک و قهار قلمداد می‌کنند و چهره‌ای مهیب از آن امام رؤوف ارائه می‌دهند که غیر از انتقام به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

۱. الخرائج، ج ۲، ص ۹۰۲.

معنوی و بهره مندی از علوم سرشار معروف شد. من تعجب کردم و با خود گفتم او که این استعداد را نداشت، پس چطور به این مرتبه رسید؟! بالاخره توفیق زیارت عتبات عالیات نصیب شد و در نجف اشرف سید بحرالعلوم را ملاقات کردم. در طوق جلسه مسئله‌ای عنوان شد و دیدم جداً او دریای مواج علم است و باید حقیقتاً او را بحرالعلوم نامید. روزی در خلوت از او سؤال کردم: آقا! ما که با هم بودیم و آن وقتها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید؛ بلکه از من در درسها استفاده می‌کردید و حالا بحمدالله می‌بینم در علم و دانش فوق العاده‌اید!

مسجد سهله رفته بودم. دیدم آقایم، حضرت ولی عصر علیه السلام مشغول عبادت است. ایستادم و سلام کردم. امام سلام مرا پاسخ داد و فرمود: «مهدی بیا!» من مقداری جلو رفتم؛ ولی ادب را رعایت کرده، زیاد جلو نرفتم. فرمود: جلو تر بیا! پس چند قدمی دیگر نزدیک تر رفتم. باز هم فرمودند: جلو تر بیا! من نزد حضرت رفتم، تا آنجایی که دست آن جناب به من و دست من به آن حضرت می‌رسید. آنگاه آغوش مهرگشود و مرا در بغل گرفت و به سینه مبارکش چسباند. در اینجا آنچه خدا خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.^۱

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
وندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که این تازه براتم دادند
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب
مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند
این همه شاهد و شکرکر سخنم می‌ریزد
اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند
سیمای مهربان

۱. رخسار آفتاب، ص ۳۵۴؛ نجم الثاقب، ص ۶۱۲

سید بحر العلوم فرمود: شبی به حضرت رسیدید؟!!

مطالب علمی را به شکل شایسته‌ای بیان کرد و همه حاضران را به اعجاب و تحسین واداشت.

شیخ مفید نیز از هوش سرشار و مقام علمی این شاگرد لذت برد و خوشحال شد. نام و نشان و احوال وی را پرسید، گفتند: این دانشمند جوان به لطف شما زنده است و زندگی‌اش مرهون سخن شماست. شیخ مفید چگونگی ماجرا را سؤال کرد، گفتند: وقتی که مادر او از دنیا رفت، او در شکم مادر بود. اطرافیان و بستگانش در مورد وی متحیر مانده و به محضر شما آمدند؛ اول فتوا دادید که آن زن دفن شود، وقتی که آنان از محضر شما مرخص شدند، شخصی را با عجله

حضرت آیه الله بهجت فرموده است: شخصی می‌گفت: به همراه رفقا بودم که آقای را از دور در کوچه دیدم. به دلم افتاد که حضرت امام عصر علیه السلام است. با خود گفتم: وقتی رسید، در دل به او سلام می‌کنم؛ اگر جوابم را داد، معلوم می‌شود که خود حضرت است. هنگامی که از کنارش رد می‌شدیم، در دل به آن بزرگوار سلام کردم، تبسمی نمود و فرمود: علیکم السلام! به همراهان خود گفتم: آقا را دیدید؟! گفتند: کدام آقا؟! معلوم شد که آنها نه آقا را دیده‌اند و نه جواب سلام او را شنیده‌اند!^۱

منم که مهر علی و ولی پناه من است
دعای نائب حق ورد صبحگاه من است
ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله

گدای خاک ره دوست پادشاه من است
به حال من نظری می‌کن ای امام زمان
که التفات تو کفاره گناه من است
مرا ز دنی و عقبی غرض وصال شماست
جز این خیال ندارم خدا گواه من است
لطف بی انتها

روزی شیخ سلار بن عبدالعزیز^۲
در مجلس درس شیخ مفید، یکی از

۱. در محضر آیت الله بهجت، ص ۱۸۷.

۲. حمزه بن عبد العزیز معروف به سلار دیلمی که از بزرگان فقهای امامیه در قرن پنجم به شمار می‌آید. او از ممتازترین شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است. المقنع فی المذهب، التقریب فی اصول الفقه و المراسم العلویه از جمله آثار گران قدر اوست. وی در سال ۴۶۳ هـ وفات یافت و در منطقه خسروشاه در حومه تبریز مدفون گشت. مزار او امروزه مطاف عاشقان اهل بیت علیهم السلام و دوستان علم و دانش است.

تصمیم قاطع به حل و فصل امور مسلمانان پرداخت و فهمید که او تنها نیست و پشتوانه‌ای قوی از سوی خداوند متعال او را حمایت می‌کند و ذیل توجهات حضرت ولی عصر قرار دارد.

علامه بزرگوار میرزا محمد حسین شهرستانی بعد از نقل این حکایت می‌نویسد: این عبارت، از جمله توفیقاتی است که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام صادر شده است.^۱

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارم
جانم بسوختی و به جان دوست دارم
تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک
باور مکن که دست زدامن بدارم
می‌گیرم و مرادم از این سیل اشکبار
تخم محبت است که در دل بکارم

جلوه رحمت الهی

افزون بر آثار رأفت آن حضرت در طول زمان غیبت، گسترده‌ترین جلوه‌های مهر و محبت و عنایات آن حضرت بعد از ظهور می‌باشد که اهل

۱. در بیت، آیت الله شیخ نصرالله شبستری رحمته الله علیه، ص ۱۰۹.

فرستادید و او آمد و گفت: شیخ می‌فرماید، پهلوی چپ آن مادر را بشکافید و بچه را بیرون آورده، بعداً دفن کنید.

آنان طبق دستور شما عمل کردند و قبل از دفن مادر، بچه را بیرون آوردند و الآن این عالم وارسته و متبحر که در محضر شما نشست، همان طفل است. شیخ مفید با کمال تعجب فرمود: به خدا قسم! آن فتوای دوم از من نبوده است. حالا که چنین است، با خود شرط می‌کنم که دیگر در امور مسلمانان دخالت نکنم و در مورد احکام شرعی مسلمانان فتوا صادر ننمایم؛ چرا که با یک فتوای اشتباه نزدیک بود باعث مرگ چنین شخص دانشمندی شوم.

بعد از آن تصمیم، پیامی از سوی مولای غایب از نظر به دست شیخ مفید رسید که: «یا شیخ! مِنْكَ الْخَطَاءُ وَمِنَّا التَّسَدِیْتُ؛ ای شیخ! [تو همچنان در مسند فتوا بنشین و مردم را راهنمایی کن و] اگر خطایی از تو سر بزند، ما آن را تصحیح می‌کنیم.» شیخ مفید بعد از این پیام آرامش خود را بازیافت و با

از اولاد بنی امیه است. او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان ستمهای بی شماری را روا می‌دارد و نامش در روایات آخر الزمان بسیار به چشم می‌خورد. هنگامی که وی توسط یکی از دوستان امام زمان علیه السلام به نام صباح دستگیر می‌شود، او را نزد امام مهدی علیه السلام می‌آورند. سفیانی می‌گوید: ای عمو زاده! بر من منت بگذار و مرا عفو کن؛ من نیز همانند شمشیر برنده‌ای در مقابل دشمنان از تو دفاع می‌کنم.

در آن حال، حضرت مهدی علیه السلام که در میان اصحاب خود نشسته و از عذراء با حیا تر است، امر می‌کند که او را رها کنند. یاران حضرت می‌گویند: ای فرزند رسول خدا! آیا او را با همه جنایاتش آزاد می‌کنید؟ امام می‌فرماید: با او هر طور که دوست دارید رفتار کنید! آنان او را بعد از آزادی دستگیر کرده، به قتل می‌رسانند. پس از این، امام دستور می‌دهد تا بدن سفیانی را دفن کنند.^۲

آسمان و زمین بعد از تحمل غمها و اندوه‌های فراوان به شادمانی و سرور دست خواهند یافت.

انسانهای خسته از دشواریهای سخت زندگی، و بی مهریهایی جفاکاران و ستمگران، عزت نفس خود را باز یافته و احساس نشاط و فرح خواهند نمود.

آنان رحمت پروردگار عالمیان را در وجود امام عصر علیه السلام به روشنی مشاهده کرده، آن وجود گرامی را از دل و جان خواهند ستود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «يَفْرَحُ بِهٖ اَهْلُ السَّمَاءِ وَ اَهْلُ الْاَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحَيَاتَانُ فِي الْبَحْرِ»؛ اهل آسمان و زمین، پرندگان و حیوانات وحشی و حتی ماهیان دریا [در اثر گسترش رحمت و رأفت و عدالت و کرامت آن حضرت] شادی می‌کنند.»

سفره گسترده مهر مهدوی نه تنها دوستان را شادمان می‌کند؛ بلکه مخالفان و دشمنان حضرتش نیز تا حدودی از آن بهره‌مند خواهند شد.

سفیانی فردی ستمگر و بی رحم

۱. دلایل امامه، ص ۴۶۸؛ لمعات، ص ۱۰۰.

۲. مجمع الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۹۶، با تلخیص.